

## تبیین عناصر و مولفه های برنامه درسی فطرت گرای توحیدی در تربیت دینی

### مترجمان<sup>۱</sup>

هاجر تجاری مقدم<sup>۲</sup>، مقصود امین خندق<sup>۳</sup>، سید جواد قندیلی<sup>۴</sup>

#### چکیده

نظام آموزش و پرورش نهادی مهم و اثرگذار است. یکی از عملکردهای این نظام در کشور که بیانگر اهداف آن است، فعالیت در زمینه پیشرفت تعلیم و تربیت دینی است. سرمایه‌گذاری در این زمینه فعالیت بسیار اساسی و بنیادی است که ارتقای جامعه در همه‌ی ابعاد بستگی به آن دارد. از طرفی یکی از ابعاد موضوعی رشته برنامه درسی که موضوعی بسیار مهمی است عناصر و مولفه های برنامه درسی است که شامل اهداف، محتوا، روش های یاددهی-یادگیری و... است. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی از جمله این است که اهداف، محتوا، روش های یاددهی-یادگیری و ... در برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی چیست و برای دستیابی به این پژوهش از روش استنتاج قیاسی (الگوی بازسازی شده فرانکنا) استفاده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** عناصر و مولفه های برنامه درسی، فطرت گرایی توحیدی، تربیت دینی، مترجمان، فرانکنا



این مقاله مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد و مورد حمایت<sup>۱</sup> پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی این دانشگاه می باشد.

کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد:<sup>۲</sup>

دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد:<sup>۳</sup>

استادیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد:<sup>۴</sup>

## مقدمه

یکی از موضوع هایی که در قلمرو تعلیم و تربیت دینی مطرح می باشد بحث از فطرت، معنا و مولفه های آن می باشد. به صورت کلی فطرت از بنیادی ترین مباحث انسان شناسی اسلامی و نظام تربیتی اسلامی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و مربیان مسلمان بوده است. فطرت به منزله تقریر دینی از سرشت مشترک انسان نقشی اصلی در قلمرو، تعریف، ارکان، اهداف، مبانی، اصول و روش های تعلیم و تربیت اسلامی دارد (همتی فر و غفاری، ۱۳۹۳: ۱۲۷). به تعبیر امروزی، ویژگی هایی در انسان هست و تربیت به معنای پرورش دادن استعداد های واقعی انسان از جمله استعداد های فکری، عقلانی<sup>۵</sup> و عاطفی اوست. از سوی دیگر، مسئله فطرت با مسئله تربیت، خویشاوندی خاصی دارد (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸). هیچ موجودی مانند انسان آماده ساخته شدن نیست؛ زیرا هیچ موجودی بالقوه آفریده نشده است. انسان سخت شکل پذیر، صورت پذیر و نقش پذیر است و هنگامی که هر صورت و نقشی پذیرفت، با اینکه در ابتدا تغییرش آسان، اما بعدها مشکل است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۹-۸).

هدف خداوند از ارسال کتب و انبیاء به این دلیل است که به یادآوری قابلیت ها و توانمندی های فطری-الهی انسان ها بپردازند تا اگر حجاب ها و موانعی در مسیر حرکت آن ها وجود دارد برداشته شده و بتوانند به شکوفایی فطرت خویش بپردازند؛ چراکه انسان ها با توجه به محیطی که در آن قرار دارند امکان فراموشی استعدادها و قابلیت های الهی را داشته و نیازمند یادآوری آن هستند. فطرت دارای گرایش ها و تمایلاتی از جمله گرایش به خداجویی، علم جویی، خردورزی، عشق و ... (ملکی، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۹). است که هر یک از این گرایش ها در نظام تعلیم و تربیت قابل پرورش دادن است.

## روش

این پژوهش دارای رویکرد کیفی و جهت گیری آن از حیث روش، نظری است. به این معنا که از روش های استدلال و تحلیل عقلانی و بر پایه مطالعات کتابخانه ای به صورت فیش برداری از مطالب مرتبط با پژوهش، تجربه و تحلیل و نتیجه گیری از یافته ها صورت گرفته است. این پژوهش با روش پژوهش استنتاجی<sup>۶</sup> (الگوی بازسازی شده فرانکنا) - از جمله الگوهای مورد استفاده در فلسفه تعلیم و تربیت و برنامه درسی - انجام می شود. فرانکنا پژوهش هنجارین را که درباره اهداف، مبانی و روش هایی که می توان در تعلیم و تربیت به کار گرفت بحث می کند، قلب فلسفه تعلیم و تربیت دانسته و آن را روشی استنتاجی می نامد (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

در این نوع پژوهش دو نوع گزاره هنجارین<sup>۸</sup> و واقع نگر<sup>۹</sup> به کار می روند؛ گزاره هنجارین ماهیت تجویزی و بایدی دارد و سه گونه است: گزاره های مربوط به اهداف تعلیم و تربیت<sup>۱۰</sup> و به ویژه در برنامه درسی، گزاره های مربوط به اصول<sup>۱۱</sup> دانش و

<sup>۵</sup>Intellectual

<sup>۶</sup>Inference research method

<sup>۷</sup>Frankena's reconstructed (rebuilt) pattern

<sup>۸</sup>Normative proposition

مهارت‌ها و گزاره‌های مرتبط با روش‌های عملی<sup>۳</sup> که در تعلیم و تربیت و علی‌الخصوص در برنامه درسی باید به کار گرفته شود. گزاره‌های واقع‌نگر نیز دارای ماهیت توصیفی هستند و به روابط و مناسبات واقعی امور می‌پردازند. این گزاره‌ها چگونگی را بیان می‌کنند و دو نوع‌اند: گزاره‌هایی که بیان می‌کند برای تحقق اهداف یا بعضی از اصول چه دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی ضروری<sup>۳</sup> یا پرفایده است؛ به عبارتی، ۱- گزاره‌های مربوط به اینکه برای تحقق اهداف بنیادین یا پیروی از اصول بنیادین، بهره بردن از چه دانش‌ها، مهارت‌ها یا نگرش‌هایی لازم یا مناسب است و ۲- گزاره‌های مربوط به اینکه برای به دست آوردن دانش‌ها، مهارت‌ها یا نگرش‌های تعیین‌شده چه روش‌هایی مفید یا مؤثر است (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

در الگوی بازسازی‌شده فرانکنا از قرار گرفتن اهداف در کنار گزاره‌های واقع‌نگر اصول نیز استخراج می‌شود. چون روش استنتاجی فرانکنا اهداف، اصول، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت و برنامه درسی را مشخص می‌کند، برای تبیین عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی مناسب است و می‌توان با استخراج عناصر برنامه درسی از منابع دینی و بر پایه فطرت‌گرای توحیدی با ساختار و روشی که باقری (۱۳۸۹) مطرح نموده است، به بررسی و تحلیل متون اسلامی پرداخت (وقاری، ۱۳۹۵: ۵۹).

در روش تحقیق الگوی بازسازی شده فرانکنا عنصر هدف به‌منزله مهم‌ترین عنصر برنامه درسی است که سایر عناصر را به هم مرتبط می‌کند و در ابتدای پژوهش باید به آن دست یافت. همان‌طور که در طبقه‌بندی اهداف، بالاترین مرتبه به هدف غایی می‌رسد، در قیاس اول هدف غایی به دست می‌آید که حاصل باید آغازین به‌مثابه مهم‌ترین گزاره مرتبط با رویکرد، مقدمه اول می‌شود و با گزاره واقع‌نگری که از منابع فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناختی و... به دست می‌آید، به‌مثابه مقدمه دوم در نظر گرفته می‌شود. با ترکیب مقدمات کبرا و صغرا، گزاره‌های مربوط به اهداف غایی در نتیجه ایجاد می‌گردد. در مرحله بعد، برای مشخص کردن گزاره‌های دوم به بعد به نتیجه قیاس قبل توجه می‌شود. از این مرحله به بعد، گزاره‌های واقع‌نگر در مقدمات صغرا تغییر می‌کند و گزاره‌های مربوط به اینکه برای رسیدن به اهداف غایی چه دانش، نگرش و مهارتی مفید و مؤثر است آورده می‌شود. در نتیجه این مرحله گزاره‌های هنجارین - یعنی گزاره‌هایی که مربوط به دانش، مهارت و نگرشی که باید در جریان تعلیم و تربیت شکل گیرد - قرار می‌گیرد. در مرحله بعدی برای گزاره سوم این اهداف واسطی مقدمه کبرا می‌شوند. در مقدمه صغرا گزاره واقع‌نگری که ماهیت روش‌شناختی به خود می‌گیرند، قرار می‌گیرد. برای مثال، این که برای کسب دانش، مهارت و نگرشی معین چه روش‌هایی مفید و مؤثر است؛ در نتیجه، گزاره هنجارین گزاره‌ای مربوط به روش‌های عملی است که باید در تعلیم و تربیت استفاده شود. در ادامه، هرچند قیاس در محتوا هم داشته باشیم، هدف واسطی در مقدمه کبرا عوض نمی‌شود؛ بلکه این امر ثابت است و فقط مقدمه صغرا عوض می‌شود.

<sup>۱</sup>Realistic proposition

<sup>۲</sup>Proposition related to educational goals

<sup>۳</sup>Proposition related to principles

<sup>۴</sup>Proposition related to practical methods

<sup>۵</sup>Necessary

## جدول ۳-۱. مراحل انجام پژوهش (وقاری، ۱۳۹۵: ۶۳)

نتیجه	مقدمه صغرا	مقدمه کبرا
گزاره‌های مربوط به اهداف غایی	گزاره واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی	بایدهای آغازین: این بایدهای آغازین با توجه به اقتضائات رویکرد استخراج می‌شوند.
گزاره‌های هنجارین: گزاره‌های مربوط به دانش، مهارت و نگرشی که باید در جریان تعلیم و تربیت شکل گیرد. (اهداف واسطی)	گزاره‌های واقع‌نگر: گزاره‌های مربوط به این‌که برای رسیدن به اهداف غایی، چه دانش، نگرش و مهارتی مناسب و ضروری است.	گزاره‌های هنجارین: گزاره‌های مربوط به اهداف غایی.
گزاره‌های هنجارین: گزاره‌های مربوط به روش‌های عملی که باید در تعلیم و تربیت استفاده شود.	گزاره‌های واقع‌نگر: گزاره‌های مربوط به این‌که برای کسب دانش، مهارت و نگرش معین، چه روش‌هایی مفید یا مؤثر است.	گزاره‌های هنجارین: گزاره‌های مربوط به اهداف واسطی

## یافته‌ها

از آنجا که مهمترین عنصر در برنامه درسی اهداف است به همین علت در این بخش ابتدا عنصر هدف در دو سطح هدف غایی و اهداف واسطی و سپس فرایند یاددهی-یادگیری و ارزشیابی مورد تبیین واقع می‌شود.

هدف غایی: شکوفایی گرایش‌ها و استعدادها الهی

برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**مقدمه اول (باید آغازین-گزاره هنجارین):** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید متریبی را به نسخه اولیه و اصلی خویش، یعنی دست یافتن به گوهر خویشتن برساند.

**مقدمه دوم (مبنا-گزاره واقع‌نگر):** لازمه رسیدن به نسخه اولیه و اصلی خویش، یعنی دست یافتن به گوهر خویشتن با شکوفایی فطرت الهی متریبان امکان‌پذیر است.

**نتیجه قیاس عملی:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

در تبیین مقدمه اول (باید آغازین) این‌گونه می‌توان مطرح کرد که در وجه تمایز انسان با دیگر موجودات مهم‌ترین موضوع، فطرت آدمی است (پریمی، ۱۳۸۴: ۱۰۵) که آن بازگشت به اصل تا سر حد رسیدن به نسخه اولیه است (کریمی، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

در اصل، هدف تعلیم و تربیت و علی‌الخصوص تربیت در برنامه درسی بر مبنای فطرت این است که آدمی تمامیت خویش را در فعلیت بخشیدن به قابلیت‌های فطری خویش یافته و در این خویشتن‌یابی، جوهره روح الهی‌اش را بر اساس آیه ۲۹ سوره حجر (نفخت فیه من روحی) تجربه نماید. همان‌طور که قرآن در آیه ۳۰ سوره روم گرایش و تمایل انسان به مبدأ هستی که موجود در ساختار ویژه روحی وی است را ترسیم نموده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶۹-۶۸).

در تبیین مقدمه دوم (گزاره واقع‌نگر) می‌توان گفت هدف غایی تعلیم و تربیت انسان‌ها و به تبع آن، برنامه درسی رشد و شکوفایی فطرت کمال‌طلب آنان است (آروانه، ۱۳۸۸: ۱۰۹-۱۰۸). گرایش‌های فطری اموری هستند که نفس انسان به سوی آن‌ها میل دارد (عبدالهی، ۱۳۹۲: ۳۶). از این گرایش‌ها تعبیر به گرایش‌های انسانی نیز می‌شود؛ زیرا خاص اوست و دیگر موجودات، آن‌ها را ندارند. بنابراین، این مجموعه گرایش‌های مقدس انسانیت وی را ساخته و حقیقت او در اصل این بخش از وجود آدمی است (مطهری، ۱۳۸۰: ۷۱-۷۲).

در تبیین نتیجه قیاس عملی هم می توان بیان نمود که انسان موجودی دارای فطرت است. وی فطرت کمال گرا دارد که سایر امور فطری جلوه هایی از آن است. با توجه به اینکه گرایش های فطری در نهاد انسان ها به ودیعه گذاشته شده است، شرایط و عوامل موجود در محیط می تواند آن ها را به فعلیت و شکوفایی برساند. (آروانه و داودی، ۱۳۹۰: ۱۰۱)؛ درحالی که با پرورش این گرایش ها و استعداد های ذاتی در قلمرو تعلیم و تربیت و به خصوص در حوزه برنامه درسی می توان آن ها را به فعلیت رساند. ذیلاً گرایش هایی را که اکثر صاحب نظران، از جمله مطهری، جوادی آملی و ملکی به آنها پرداخته اند، به عنوان اهداف واسطی در نظر گرفته و به توضیح آنها پرداخته می شود.

اهداف واسطی در برنامه درسی مبتنی بر فطرت گرای توحیدی

پرورش و شکوفایی گرایش های الهی به عنوان هدف غایی برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی با در نظر گرفتن گرایش ها و استعداد های الهی متریبان امکان پذیر است و در ادامه این پژوهش بیان می گردد.

#### ۱- پرورش گرایش به حقیقت و علم جویی

**مقدمه هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**مقدمه واقع نگر:** لازمه شکوفایی فطرت، پرورش گرایش به حقیقت و علم جویی است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید گرایش به حقیقت و علم جویی را پرورش دهد. با توجه به اثبات قیاس اول برای به دست آوردن هدف غایی، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید و یکی از گرایش های فطری، گرایش به حقیقت و علم جویی است. این ویژگی فطری در رفتار متریبان از همان شروع تولد با بررسی، تفحص و جستجوی با استفاده از حس های موجود آدمی و پس از به دنیا آمدن با گشتن در محیط اطراف و ایجاد تغییر در آن دیده می شود. (منظری توکل، ۱۳۸۳: ۱۰۳). شناخت حقایق و واقعیت های هستی نیازمند به به کارگیری روش های درست و منطقی و دوری از آفات شناخت حقیقت است. تأکید اسلام بر لزوم بهره گیری از تفکر و روشنگری و اطلاعاتی و بیان حقیقت بر هیچ فردی پوشیده نیست و همه ی آموزه های علمی، اعتقادی و اخلاقی اسلام در این راستاست (رستمی زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۵). همان طور که در سایر رویکردهای موجود برای کسب علم، دانش و جستجوی حقیقت توجه و تلاش می شود، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی نیز از این قاعده مستثنا نیست و باید این گرایش به شکوفایی برسد.

#### ۲- پرورش گرایش به خدا جویی و خدا پرستی

**مقدمه هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**مقدمه واقع نگر:** لازمه شکوفایی فطرت، پرورش گرایش به خدا جویی و خدا پرستی است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید گرایش به خدا جویی و خدا پرستی را پرورش دهد. خدا جویی تمایل و گرایشی فطری بوده و نیز معرفت فطری دارای دو نوع معرفت حصولی و حضوری است که اولی به معنای این است که عقل برای تصدیق حضور خدا محتاج به تلاش و کوشش نبوده و به آسانی این درک را دارد که خدای بی نیازی هست که احتیاجات انسان ها را رفع می کند و دومی این است که دل انسان با آفریننده خویش ارتباط عمیق دارد؛ اما در مواقع عادی زندگی به آن چندان توجه ای نداشته و هنگامی که از همه قطع امید می کند، متوجه این رابطه قلبی می شود. خدا پرستی گرایشی فطری است که انسان ها بر حسب فطرت خویش طالب و خواهان پرستش و تسلیم در برابر او هستند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۳۶-۳۵). در نتیجه، حقیقت دین عبارت است از سر تعظیم فرو آوردن و فروتنی در برابر پروردگار که به شکل های گوناگونی تجلی و آشکار می گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۳۷).

همان طور که در همه ی برنامه های تربیت دینی به این گرایش توجه دارند، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی نیز باید بر آن تأکید فراوانی داشته باشد.

### ۳- پرورش گرایش به جمال و زیبایی جویی

**مقدمه هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**مقدمه واقع‌نگر:** یکی از استعدادهای الهی، گرایش به جمال و زیبایی جویی است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید گرایش به جمال و زیبایی جویی را در متریبان

پرورش دهد.

گرایش به جمال و زیبایی جویی به معنای زیبایی‌دوستی و زیبایی‌آفرینی است که هنر نیز نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲: ۴۰). این اصل که خداوند زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد، منشأ بسیاری از رفتارهاست و باید در همه‌ی مراحل تعلیم و تربیت، به‌ویژه در برنامه درسی نیز لحاظ گردد؛ چرا که به قدری مهم است که نمونه‌های ساده و جزئی را داراست. برای مثال، یک برخورد زیبا و جذاب از یک مربی باعث جاذبه‌متری شده و وی همواره در راه حق ننگه داشته می‌شود (بی‌نام، ۱۳۹۷: ۳۳). برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی از این قاعده مستثنا نیست.

### ۴- پرورش گرایش به خلاقیت و ابداع

**مقدمه هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**مقدمه واقع‌نگر:** یکی از استعدادهای الهی، گرایش به خلاقیت و ابداع است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید گرایش به خلاقیت و ابداع را در متریبان پرورش

دهد.

گرایش به خلاقیت و ابداع در انسان به این صورت است که وی خواهان آفرینش بوده و دوست دارد در فقدان و نبود چیزی را خلق کند (مطهری، ۱۳۸۰: ۸۲) در دنیایی که پیچیده بوده و دائماً در حال تغییر است، با اندیشه و تفکری که دارای منطق است، امکان خلق و زایش وجود دارد که غایت اساسی آن آزاد بودن دریافت دانش‌های مؤثر، فهم و ادراک از کلیات و مصادیق، داشتن توانمندی در داوری، استنباط کردن ارتباط بین علت و معلول، توانایی تفکیک، حل کردن و مخلوط کردن مسائل و ... با تجهیز افراد به تفکری مجهز به خلاقیت است تا علاوه بر شکوفایی فطرت، بستری برای خلق نوآوری‌های گسترده در زمان کنونی و برای زمان آتی مهیا گردد (منظری توکل، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

به همین جهت باید در قلمرو تعلیم و تربیت، به ویژه در برنامه درسی به تقویت و پرورش آن پرداخت.

### ۵- پرورش گرایش به اجتماع

**مقدمه هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا کند.

**مقدمه واقع‌نگر:** یکی از استعدادهای الهی، گرایش به اجتماع است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید گرایش به اجتماع را میان متریبان پرورش دهد.

یکی از گرایش‌های فطری، گرایش به اجتماع است. دیدگاهی که قرآن برای جوامع انسانی ترسیم می‌نماید، بر اساس نگرش شمول‌گرایانه به آدمی به مثابه مجموعه‌ای متجانس و هماهنگ است که بر جنبه‌ها و ابعاد وی نظارت دارد. قرآن کریم و شناخت جامعه و تغییرات آن را متکی به روابط اجتماعی افراد می‌داند و از طرفی هم با رشد و گستردگی افراد جامعه شبکه‌های وابستگی در میان آنان تغییر می‌یابد و شکل جدیدتری پیدا می‌شود. قرآن برای درک این شبکه‌ها، روابط و جامعه انسان‌ها را به شناخت درون‌مایه خویش ارجاع می‌دهد (فخر زارع، ۱۳۹۳: ۹۳). آدمی برای توسعه در شغل و حیات خویش و نیز برای رفع نیازهای زندگی اجتماعی و حضور در اجتماع را لازم دارد. اسلام در این زمینه راهکارهایی دارد؛ از جمله به آیین‌های جمعی سفارش نموده است. مشارکت افراد در کارهای جمعی چه‌بسا برای رفع نیازهای خویش و برای به تحقق رساندن آرزوها و درخواست‌هایشان تأثیرات مورد انتظار را خواهد گذاشت (بخشی درمیان، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، نظام تعلیم و تربیت و به‌خصوص در حوزه برنامه درسی باید موجبات جامعه‌پذیری و رشد اجتماعی افراد را بیش‌ازپیش در نظر بگیرد.



۶- پرورش گرایش به عشق، محبت و دوستی

**مقدمه هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**مقدمه واقع‌نگر:** یکی از استعدادهای الهی، گرایش به عشق، محبت و دوستی است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید گرایش به عشق و دوستی را در متریبان پرورش دهد.

عشق چیزی مافوق محبت، نوعی توحّد، تأخّد و یگانگی در انسان به وجود می‌آورد (مطهری، ۱۳۸۰: ۹۰-۸۹). در واقع، انسان با معشوق حقیقی که مقام کامل‌تری دارد، متحد می‌شود و به این طریق در حد کمال خود پیشرفت می‌نماید. (همان: ۹۸). در کل، منشأ همه‌ی این گرایش‌ها از فطرت الهی انسانی است (همان: ۹۹).

در نتیجه، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی نیز باید این گرایش را در افراد پرورش دهد.

۷- پرورش گرایش به تعقل و خردورزی

**مقدمه هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا سازد.

**مقدمه واقع‌نگر:** یکی از استعدادهای الهی، گرایش به تعقل و خردورزی است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید گرایش به تعقل و خردورزی را پرورش دهد. عبارتهایی در قرآن، مثل اندیشه، شعور و بینایی، گوش سپردن، ژرف‌نگری، تماشا و دقت همگی وجوهی از خردورزی است (بی‌نام، ۱۳۹۷: ۳۲). قرآن نیز به لزوم استفاده از این سرمایه‌ی بشری تأکید نموده است. به عبارتی دیگر، فطرت و استعدادهای فطری با برخورداری از قوه تفکر و تعقل به شکوفایی می‌رسد و وظیفه قوه تعقل در گذر تربیت دینی و راهنمایی بشر به سمت رهایی و نجات دارای نقش بسیار بنیادی و بااهمیت است. چنین انسان تربیت‌شده‌ای به شکل طبیعی فردی با قدرت بالای سنجش، ارزیابی و داوری است که دارای روحیه پرسشگری و نقادی است. به همین دلیل، پایه اساسی اندیشه‌ی دارای عقل است که تأثیرات بسیاری بر همه‌ی وجوه برنامه‌ها و طرح‌های مطرح‌شده می‌گذارد (بی‌نام، ۱۳۹۷: ۳۱).

بنابراین، در برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید این قوه و استعداد الهی را در متریبان تقویت کرد.

۸- پرورش گرایش به خیر و فضیلت

**مقدمه هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا کند.

**مقدمه واقع‌نگر:** یکی از استعدادهای الهی، گرایش به خیر و فضیلت است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید گرایش به خیر و فضیلت را در متریبان پرورش دهد.

گرایش به خیر و فضیلت در حوزه اخلاق جای می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۰: ۷۹).

یکی از ابعاد وجودی انسان که علامه طباطبایی نیز آن را فطری دانسته است، اخلاق است؛ به این صورت که انسان‌ها طوری آفریده شده‌اند که در مسائل نظری و فکری حق و باطل و همچنین خیر و شر را از یکدیگر تشخیص می‌دهند. فضیلت برخلاف منفعت که "خیر حسی" است، "خیر عقلی" است. این‌گونه گرایش‌ها دو نوع، فردی و اجتماعی است. گرایش‌های فردی مثل گرایش به انضباط، تقوا و... گرایش‌های اجتماعی، مانند گرایش به خوبی کردن، فداکاری و... (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۰) هستند. در برخی آیات قرآن به این گرایش اشاره شده است و بر اساس آن، انسان‌ها به شکل همگانی از حس اخلاقی مشترکی برخوردار و آگاهند. این آگاهی اکتسابی نبوده بلکه در ذات و فطرت الهی وی ریشه دارد. از دیگر فضیلت‌های اخلاقی راستگویی، درک وفای به عهد و... است.

چنانچه تعلیم و تربیت و برنامه درسی این گرایش را پرورش دهد، فضیلت در آحاد جامعه رشد خواهد کرد و جامعه‌ای بافضیلت حاصل می‌شود (منظری توکل، ۱۳۸۳: ۱۰۳-۱۰۴). برنامه درسی مبتنی بر فطرت‌گرایی توحیدی با داشتن مربیانی لایق باید به پرورش این گرایش در متریبان اهتمام ورزد.

محتوای برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی

در این بخش، با تأکید بر دیدگاه‌های متخصصان حوزه برنامه درسی، مانند ملکی و دیگر افراد حوزه روانشناسی و برنامه درسی محتوای برنامه درسی استخراج و تبیین شده است.

۱- محتوای دارای آیه‌بینی پدیده‌ها (رعایت اصول و ضوابط الهی)

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**گزاره واقع‌نگر:** شکوفایی فطرت الهی متریبان در گرو آیه‌بینی پدیده‌هاست.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی باید به آیه‌بینی پدیده‌ها توجه کند.

از آنجا که فطرت در انسان‌ها زمینه‌ای است که شناخت، گرایش و اعمال وی را الهی می‌نماید، برای شکوفایی فطرت الهی محتوا باید دارای آیات الهی باشد. همه‌ی رویدادها و موجودات دنیا نشانه‌هایی از وجود خداوند و عامل بودن او در آفرینش‌اند (ملکی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). همه‌ی رویدادها و مظاهر در طبیعت و اجتماع در تفکر قرآنی آیات و نشانه‌های الهی است و "حکمت، قدرت و رحمت خداوند" را نشان می‌دهد (همان: ۷۳).

در محتوا باید از طرح مطلب بی‌پایه و موهوم پرهیز نمود، ارتباط بین انسان با خود، خدا، آفرینش و ... برقرار باشد (همان: ۳۲-۳۳). از طرفی هم نباید بدون توجه به تمامی ابعاد وجودی آدمی در برنامه‌های درسی به تربیت وی همت گماشت؛ چرا که در این صورت، انسان تک‌بعدی و صرفاً مادی پرورش می‌یابد و از اصل وجودی خویش غافل گشته و دچار بحران می‌شود. در این شرایط، محیط فاقد ارزش‌های اصیل معنوی و دارای اخلاق متعالی است (میرزاخانی، ۱۳۹۱: ۹). در نتیجه، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی باید اصول و ضوابط الهی را دربرداشته باشد.

۲- توجه به نیازهای فطری در محتوا

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**گزاره واقع‌نگر:** شکوفایی فطرت الهی متریبان در گرو توجه به نیازهای فطری آنان است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی باید به نیازهای فطری متریبان توجه کند.

نیازها سرچشمه فعالیت‌های بشری است که بشر توسط آن می‌تواند به کمالات دست‌یافته و به آرامش حقیقی برسد. نیازها رفتارهای انسان‌ها را جهت داده و باعث تعادل روانی آنان می‌گردند (بی‌نام، ۱۳۸۳). این نیازهای فطری اکتسابی نبوده و غیرقابل تغییر است و خداوند در وجود هر یک از انسان‌ها آن‌ها را قرار داده است و نیازی به تعلیم و تربیت آن وجود ندارد؛ اما به راهنمایی و هادی نیاز است.

در نتیجه در برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی باید محتوایی را انتخاب کرد که به نیازهای فطری متریبی توجه ویژه داشته باشد.

۳- در نظر گرفتن ظرفیت و توانایی‌های فطری در محتوا

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**گزاره واقع‌نگر:** شکوفایی فطرت الهی متریبان در گرو در نظر گرفتن ظرفیت و توانایی‌های فطری آنان است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی باید ظرفیت و توانایی‌های فطری متریبی را در نظر

بگیرد.



توجه به ظرفیت و توانایی های فطری متربی یعنی باید با توجه به مراحل رشدی افراد و وجود توانایی ها و ظرفیت های منحصر به فرد آنان، محتوایی متناسب و هماهنگ با اقتضائات جسمی و روانی متربی را انتخاب کرد؛ زیرا متربیان از جهت های مختلف از یکدیگر متفاوت اند و مربی باید با توجه به ظرفیت های افراد برای دستیابی به اهداف اقدام نماید؛ چرا که تفاوت های فردی و اختلاف در استعدادها و قابلیت ها از مسائل اساسی در تربیت است که بدون آن تربیت درستی صورت نمی گیرد. (مروجی، ۱۳۹۱: ۲۳). در نتیجه، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی از وجود ظرفیت ها و توانایی هایی که خداوند در افراد قرار داده است، آگاهی کسب کرد و محتوایی را گزینش نمود که در جهت تحقق آن ها راهگشا باشد.

۴- توجه به وحدت، جامعیت و کل نگرایی محتوا

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید فطرت الهی متربیان را شکوفا نماید.

**گزاره واقع نگر:** شکوفایی فطرت الهی متربیان در گرو وحدت، جامعیت و کل نگرایی است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید دارای وحدت، جامعیت و کل نگرایی باشد. با توجه به جملات قرآنی "نفخت فیه من روحی" و "انا لله و انا الیه راجعون" می توان گفت، همه افراد از یک کل اند؛ یعنی خداوند از روح خویش در آن ها دمیده و سرانجام نیز آنان به سوی خداوند بازمی گردند. به همین جهت، برای پرورش گرایش های الهی باید محتوایی انتخاب کرد که دارای یکپارچگی و انسجام باشد (ملکی، ۱۳۹۶: ۱۵ و ۱۶). از این رو، در برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید نگرشی کل نگر داشت تا موجبات تقویت استعدادهای فطری- الهی متربیان را فراهم کرد.

۵- اصالت داشتن محتوا

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید فطرت الهی متربیان را شکوفا کند.

**گزاره واقع نگر:** شکوفایی فطرت الهی متربیان در گرو اصالت داشتن است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید اصالت محتوایی داشته باشد. اصالت داشتن محتوا، یعنی این که محتوا متصل است به معارفی که دارای اعتبار است. این اعتبار منحصرأ از جهت جدید بودن نیست؛ چرا که الزاماً زمان نو داشتن محتوا و مطالب دلیل بر اعتبار داشتن محتوا نیست. در این نوع محتوا، اصالت دارای اهمیت است و هر اندازه شناخت تجربی دارای دلیل بیشتر و هم سو با تفکر و تعقل باشد، مورد پذیرش بیشتری واقع می شود. محتوا هر قدر با معیارهای عقلی و رهنمون های نقلی که همان قرآن و روایات است، نزدیک تر باشد، دارای اصالت بیشتری است (ملکی، ۱۳۹۶: ۱۶).

۶- توازن در محتوا

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید فطرت الهی متربیان را شکوفا کند.

**گزاره واقع نگر:** شکوفایی فطرت الهی متربیان در گرو توازن است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید توازن محتوایی داشته باشد. توازن در محتوا به این معناست که به همه ی ابعاد وجودی آدمی از این لحاظ پردازد که وجود آدمی نیز "مجموعه ای از غرایز، عواطف، احساسات و..." مختلفی است که بعضی از آن ها وظیفه ایجاد اشتیاق و رغبت را دارند و برخی دیگر نقش برحذر داشتن و مانع را ایجاد می نمایند. در صورتی مربی و نظام مورد قبول موفق می شوند که بین احساسات و تمایلات هماهنگی و تعادل ایجاد نمایند؛ زیرا اگر یک تمایل بر دیگری غالب گردد هماهنگی بین منش ها و رفتارهای بشر به اختلال کشیده می شود و در انتها وی به بیراهه رفته و از بین می رود. (محمدقاسمی، ۱۳۸۵: ۱۳۱). پس نباید گرایش های افراطی و تفریطی وجود داشته باشد. در نتیجه، در برنامه درسی باید به توازن محتوا توجه جدی کرد.

## ۷-برانگیزانندگی محتوا

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فطرت الهی متریبان را شکوفا نماید.

**گزاره واقع‌نگر:** شکوفایی فطرت الهی متریبان در گرو برانگیزانندگی است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید برانگیزاننده باشد.

برای شکوفایی فطرت الهی محتوا باید به‌گونه‌ای انتخاب و سازماندهی گردد که در مرتبه ذوق‌زدگی و کسالت ایجاد نماید؛ بلکه باید دارای هیجان بوده و مرتبه را به جنبش برای کسب محتوا تشویق نماید. برای مثال می‌تواند از دانش‌های به‌روز و فناوری‌های نوین جذاب استفاده کند. به‌کارگیری محتوای سؤال‌برانگیزی که کنجکاوی افراد را برمی‌انگیزاند و نیز استفاده از تصاویری که با اصول زیبایی‌شناسی به‌دست‌آمده باشند، موجب جذب مخاطب برای یادگیری می‌شود (مروجی، ۱۳۹۱: ۲۲). به همین جهت، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی نیز باید دارای محتوایی برانگیزاننده باشد.

فرایند یاددهی-یادگیری برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی

روش‌های یاددهی-یادگیری چگونگی رسیدن به اهداف را واضح و روشن می‌کنند و در نتیجه، به وسیله آن اهداف تربیتی

به تحقق می‌رسد. به همین جهت، در این بخش از پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

۱- ایجاد فرصت‌های تربیتی بدیع و جدید

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید خلاقیت و ابداع داشته باشد.

**گزاره واقع‌نگر:** افزایش خلاقیت با استفاده از فرصت‌های تربیتی بدیع و جدید امکان‌پذیر است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید فرصت‌های تربیتی بدیع و جدیدی ایجاد کند.

برنامه درسی باید دارای خلاقیت و ابداع باشد و با استفاده از فرصت‌های جدید و خلاقانه می‌توان به این امر پرداخت. استفاده از تفکر واگرا در کنار تفکر همگرا به افزایش قوه تخیل مرتبه کمک می‌نماید. به‌طور مثال، در کنار مطالب ارائه‌شده مرتبه، مرتبه هم به‌صورت آزاد آنچه را به ذهنش می‌رسد، بیان می‌کند (سبحانی‌نژاد و حسینی، ۱۳۹۳: ۸۱).

مرتبه می‌تواند برای پرسش‌ها و افکاری که معمولی نیستند و به نوعی بدیع و جدیدند، ارزش قائل شود و مرتبه را تشویق کند تا با پرسیدن سؤال‌های مختلف از دانسته‌ها و دانش‌های معمول فراتر رود. همچنین مرتبه می‌تواند مرتبه را تشویق کند تا اظهارنظرهایش دارای اندیشه‌های بدیع و اصیل باشد. مرتبه باید فرصت‌هایی را برای یادگیری اکتشافی و به نوعی خودآموزی برای مرتبه در نظر بگیرد؛ زیرا استقلال شخصی و توانایی کشف راه حل برای مسائل زندگی مرتبه به این وسیله امکان‌پذیر است (سیف، ۱۳۸۳: ۶۰۲-۶۰۳). روش دیگر آفرینندگی در مرتبه آموزش مهارت‌های پژوهش مثل مطرح کردن فرضیه است که موجب خلق تفکر خلاق در وی می‌گردد (همان: ۶۰۴)؛ بنابراین، باید چنین فرصت‌هایی را برای افزایش خلاقیت در مرتبه فراهم کرد تا علاوه بر افزایش خلاقیت، این گرایش الهی در وجود افراد از بین نرود.

۲- تقویت تعاون و کار گروهی

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید موجبات جامعه‌پذیری و رشد اجتماعی افراد را

فراهم کند.

**گزاره واقع‌نگر:** موجبات جامعه‌پذیری و رشد اجتماعی افراد با تعاون و کار گروهی امکان‌پذیر است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید تعاون و کار گروهی را تقویت کند.

برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی می‌تواند با استفاده از کار گروهی موجبات جامعه‌پذیری و رشد اجتماعی افراد را فراهم نماید. آغاز آفرینش انسان با گروه و جامعه است. بنابراین، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرا باید برای داشتن روحیه اجتماعی در مرتبه ارزش‌های تعاون و همکاری را در او تقویت نماید؛ چرا که نظام تعلیم و تربیت مهم‌ترین عاملی است که بر جامعه اثر گذاشته و به هدایت آن می‌پردازد.

۳- استفاده از هنر

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید دارای جمال و زیبایی‌جویی باشد.

**گزاره واقع‌نگر:** افزایش جمال و زیبایی‌جویی با استفاده از هنر امکان‌پذیر است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید از هنر استفاده کند.

برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید دارای جمال و زیبایی‌جویی باشد که با استفاده از هنر امکان‌پذیر است. هر چیزی هر اندازه به "کمال نفس‌الامری و متعالی خویش" قریب‌تر باشد، بیشتر به دل نشسته و با بیانی زیبا نیز نشان داده می‌شود. به همین دلیل، زیبایی از کمال جدا نیست. (رشاد، ۱۳۹۴: ۷) در ابتدا ظاهر، رفتار، منش و سخنان زیبای خود مربی می‌تواند از مصادیق فطرت‌گرای توحیدی باشد (مطهری، ۱۳۷۴: ۴۹۸، به نقل از مرزوقی و حدادنیا، ۱۳۹۶: ۱۵۷). بنابراین، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید از هنر برای ارضای حسن‌زیبایی‌شناسی استفاده کند.

۴- مواجه کردن متربی با سؤالات، مسائل و دشواری‌ها

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید روحیه حقیقت و علم‌جویی را در متربی ایجاد

کند.

**گزاره واقع‌نگر:** افزایش روحیه حقیقت و علم‌جویی با مواجه کردن متربی با سؤالات، مسائل و دشواری‌ها امکان‌پذیر

است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید متربیان را با سؤالات، مسائل و دشواری‌ها روبه‌رو

نماید.

برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید دارای روحیه حقیقت و علم‌جویی باشد و با استفاده از پرسیدن سؤالات و مواجه متربی با دشواری‌ها می‌تواند به این امر بپردازد. میل فطری به دانستن و فهمیدن در اطفال از دوران ابتدایی زندگی آن‌ها با پرسیدن سؤالاتی از والدین آشکار می‌شود (ملکی، ۱۳۹۶: ۵۹). از سوئی مربی با بیان داستان‌های جذاب، سؤال‌برانگیز و معماگونه نیز می‌تواند حس حقیقت‌جویی متربیانش را پرورش دهد. وی می‌تواند با ایجاد دشواری‌هایی در مسیر متربی و یا قرار دادن او در سختی‌ها استعدادهايش را به شکوفایی برساند (همان: ۱۲۷). برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید با قرار دادن متربی در مواجه با دشواری‌ها این فرصت را به متربی بدهد تا با خیال راحت و حوصله فراوان روحیه حقیقت و علم‌جویی را در خود تقویت کند.

۵- به‌کارگیری نشانه‌های الهی و جنبه‌های ماورایی (معنویت)

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید دارای روحیه خداجویی و خداپرستی باشد.

**گزاره واقع‌نگر:** افزایش روحیه خداجویی و خداپرستی با به‌کارگیری نشانه‌های الهی و جنبه‌های ماورایی (معنویت)

امکان‌پذیر است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید از نشانه‌های الهی و جنبه‌های ماورایی (معنویت)

استفاده نماید.

برنامه درسی باید مضمون خداجویی و خداپرستی داشته باشد و با استفاده از معنویت و جنبه‌های ماورایی می‌تواند به آن دست یابد. استفاده مربی از داستان‌های عبرت‌انگیز تاریخ در ایجاد حس دینی بسیار مؤثر خواهد بود و نیز برای افزایش روحیه عبادت و پرستش از معنویت استفاده کند (موسوی‌فراز، ۱۳۸۱: ۵۴). درنتیجه، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی نباید از معنویت غافل باشد.

#### ۶- به کارگیری ارزش های اخلاقی

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید دارای خیر و فضیلت و ارزش های اخلاقی باشد.

**گزاره واقع نگر:** افزایش خیر و فضیلت با به کارگیری ارزش های اخلاقی، از جمله صداقت، وفاداری و جز آن صورت می گیرد.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید دارای ارزش های اخلاقی، از جمله صداقت، وفاداری و جز آن باشد.

برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید دارای خیر و فضیلت باشد (مروجی، ۱۳۹۱: ۲۳). صداقت در گفتار، عمل کردن به وعده های خود از سوی والدین و مربیان خود نمونه ای از آموزش و تربیت به متریبان است. با معرفی و ارائه الگوی و نمونه عملی می توان به آموزش و تربیت ارزش های اخلاقی پرداخت. مربی با احترام گذاشتن به متریبان می تواند مانند یک الگوی اخلاقی و رفتاری برای شخصیت متریبان قائل شود و موجبات تکریم آنان را فراهم نماید (همان: ۲۳)؛ بنابراین برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید با استفاده از ارزش های اخلاقی صداقت، وفای به عهد و دیگر مکارم اخلاقی گرایش به خیر و فضیلت را در متریبان پرورش دهد.

#### ۷- به کارگیری روش های عقلانی

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید دارای تعقل و خردورزی باشد.

**گزاره واقع نگر:** ایجاد و افزایش تعقل و خردورزی با به کارگیری روش های عقلانی امکان پذیر است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید از روش های عقلانی استفاده کند.

برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید دارای تعقل و خردورزی باشد و با استفاده از روش های عقلانی به این امر دست یابد. در بخشی از آیه ۳۰ سوره روم (ولکن اکثر الناس لا یعلمون) "ریشه فراموشی فطرت سلیم الهی، جهل و نادانی انسان ها بیان شده است. واژه (لا یعلمون) به معنی (نمی دانند) از ریشه علم بوده و راه دست یابی به علم نیز تفکر و خردورزی است" و در روایات اسلامی ساعتی تفکر افضل و برتر از هفتاد سال عبادت است (بناهان، ۱۳۹۶: ۱۲۰)؛ حضرت علی<sup>(ع)</sup> نیز عقل و هوای نفس را در مقابل هم قرار داده و پیروزی نفس بر عقل را عامل نابودی، تبهکاری می داند که تربیت درست بستری برای پاک سازی عقل از پلیدی های نفس را به وجود می آورد. پس تربیت مطلوب زمینه رشد و تقویت تعقل و اندیشه ورزی را ایجاد می نماید (همان: ۱۲۲). تزکیه نفس و آموختن حکمت به مثابه شیوه هایی است که خردورزی به وسیله آنها تحقق می یابد. بنابراین، برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید با استفاده از روش های عقلانی، گرایش تعقل و خردورزی را افزایش دهد.

#### ۸- تقویت ارزش های همدلی و همدردی

**گزاره هنجارین:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید دارای مقوله عشق، محبت و دوستی باشد.

**گزاره واقع نگر:** افزایش عشق، محبت و دوستی با استفاده از روحیه همدلی و همدردی امکان پذیر است.

**نتیجه قیاس:** برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید روحیه همدلی و همدردی را تقویت نماید.

برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت گرای توحیدی باید دارای مقوله محبت و دوستی باشد و با استفاده از روحیه همدلی و همدردی می تواند به این مهم بپردازد. هر فردی در جامعه با توجه به نیازهای وجودی خویش به محبت و دوستی محتاج است. منبع و سرچشمه تربیت محبت است که به وسیله آن قلب ها آرام و نرم شده و می توان در قلب های افراد جای گرفت. ماهیت وجودی بشر نیز با محبت و دوستی پرورش می یابد؛ چرا که محبت جوهر هستی فرد را صیقل می دهد و آلودگی ها را از او پاک می نماید و باعث اشتیاق بیشتر به زندگی شده و به آن معنا می دهد. (منظری توکل، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۱۶)؛ بنابراین، برنامه

درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی باید برای داشتن روحیه همدلی و همدردی از عشق، محبت و دوستی استفاده کند.

## بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه نظام تعلیم و تربیت از نهادهای مؤثر جامعه است. هر کشوری باید با توجه به ویژگی‌های آدمی و سابقه فرهنگی-اجتماعی خود برای رسیدن به کمال برنامه‌ریزی نماید و در صورتی به این هدف نائل می‌شود که نهاد تعلیم و تربیت بستری برای بارور کردن توانایی‌های ذاتی افراد جامعه ایجاد کند و نیز با تعیین غایات و اهداف، محتوای مناسب، انتخاب روش‌ها و شیوه‌های متناسب و... به این مهم دست یابد. این پژوهش با هدف تبیین عناصر برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی انجام گرفته است.

جهت‌گیری و رویکرد فطرت‌گرای توحیدی به عنوان رویکرد مطرح در اسناد مهم برنامه درسی مطرح گردیده است. با توجه به حضور کم‌رنگ آن در عمل و اجرا در نظام تعلیم و تربیت به‌طور عام و در برنامه درسی به‌طور خاص و با وجود ابهامات و کلی‌گویی باز هم می‌توان تعریف از فطرت‌گرایی توحیدی را از منابع موجود که توسط صاحب‌نظران مسلمان و غیرمسلمان ارائه شده است در نظر گرفت و عناصر آن را نیز استخراج کرد.

طبق این مطالعات "فطرت همان سرشت خاص انسانی مشتمل بر استعدادهایی است که هرکدام از آن‌ها یکی از ستون‌های بااهمیت و بی‌بدیل بنای کمالات حقیقی محسوب می‌شود؛ استعدادهایی از قبیل پرستش، تعقل و خردورزی، اجتماع‌پذیری، ابداع و خلاقیت، زیبایی‌گرایی و ... که وظایف نظام پرورشی را نیز با این وجود عیان و آشکار می‌گرداند. "جهت‌گیری فطری توسط شرایط مناسب بیرونی و رهبران الهی، یعنی پیامبران ساخته شده و استمرار می‌یابد و فطرت هر اندازه هم قوی باشد و دلالت محکمی برای هدایت انسان‌ها در اختیار داشته باشد، به عقل بیرونی و فطرت مجسم به شکل انسان کامل، یعنی پیامبران نیازمند است ". برای پرورش فطرت می‌توان توجه‌ای ویژه به فلسفه فرستادن انبیا نمود (ملکی، ۱۳۹۶: ۷-۸) و با پذیرش فطرت و فطریات انسانی باید آن را در تربیت متربی مورد توجه قرار داد؛ زیرا فطرت با تربیت ارتباط دارد. به عبارتی، فطریات "بالقوه و ضعیف" است و به وسیله کارگزارانی، "بالفعل و قوی" گشته و یا به سکوت رسیده و به سمت کج‌روی کشیده می‌شود (موسوی‌فراز، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۴).

در ارتباط با روش این پژوهش نیز گفتنی است روش پژوهش استنتاج قیاسی بر اساس الگوی بازسازی‌شده فرانکنا به کار گرفته شده است. برای تبیین عناصر برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی بر اساس الگوی بازسازی‌شده فرانکنا به تبیین هدف غایی، اهداف واسطی، محتوا، فرایند یاددهی-یادگیری و ارزشیابی پرداخته شده است. در نتیجه‌ی قیاس عملی در تبیین هدف غایی برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی بر پرورش گرایش‌ها و استعدادهای الهی تأکید شد که برای رسیدن به آن اهداف واسطی در نظر گرفته شد. این هدف غایی به‌عنوان مقدمه اول و گزاره‌های واقع‌نگر برای نشان دادن راه رسیدن به هدف غایی به‌عنوان مقدمه دوم مطرح شد.

با این روش، اهداف واسطی در هشت مورد به دست آمد. ۱- گرایش به حقیقت و علم‌جویی که خداوند با قرار دادن حواس‌های پنجگانه و قدرت تفکر بشر را ترغیب به جستجو و کشف حقایق در پدیده‌ها نموده است. ۲- در گرایش به خداجویی و خداپرستی با توجه به آن آدمی بر حسب فطرت خویش خواهان جستجو و پرستش پروردگار خویش است و حتی اگر آموزشی از خارج نبینند، این تمایل در آن‌ها موجود است. ۳- گرایش به جمال و زیبایی‌جویی از آنجاست که خلقت بشر طوری



است که متمایل به زیبایی‌ها می‌شود و خواهان و طالب آن است. ۴- گرایش به خلاقیت و ابداع به شکلی است که بشر می‌خواهد از نبود چیزی به آفرینش بپردازد و در نبود تمایل خلاقیت و ابداع رشد و پیشرفتی نیز در صحنه‌ی زندگی اتفاق نمی‌افتاد و عمرانی نیز حاصل نمی‌شود. به عبارتی، بشر نه تنها به توسعه طبیعت پرداخته است، بلکه به رشد خود نیز می‌پردازد. ۵- در مورد گرایش به اجتماع می‌توان گفت، همان طور که آدمی برای توسعه در شغل و در زندگی خویش برای رفع نیازها نیازمند زندگی اجتماعی است، در نتیجه گرایش به اجتماع در وجود بشر به صورت فطری قرار دارد. ۶- گرایش به عشق، محبت و دوستی هم نوعی توحّد و یگانگی در انسان به وجود می‌آورد و در صورتی که بشر به عشق حقیقی دسترسی داشته باشد، به مرحله پرستش خواهد رسید. ۷- در ارتباط با گرایش به تعقل و خردورزی قرآن به لزوم استفاده از سرمایه تعقل و خردورزی گوشزد نموده و خوشبختی و بدبختی آدمی را بسته به چگونگی استفاده از این گرایش فطری می‌داند. در نتیجه گرایش به تعقل و خردورزی یکی از گرایش‌های فطری است. ۸- گرایش به خیر و فضیلت نوعی گرایش در حوزه اخلاق است که با داشتن آن اعتماد افراد به یکدیگر بیشتر شده، ارتباطات بر اساس تقوا و مروت پیش رفته و امور به صورت درست اجرا می‌شود. در کل، این گرایش‌های انسانی-فطری اموری هستند که آدمی با توجه به ذات خویش به آن‌ها تمایل دارد و به اندازه‌ای که از آن‌ها برخوردار باشد، به انسانیتی متعادل دست می‌یابد. تفاوت انسان‌ها نسبت به یکدیگر نیز در شدت و ضعف این گرایش‌های الهی-فطری است که عاملان تعلیم و تربیت و متخصصان برنامه درسی می‌توانند در پرتو محتوایی دینی و فطری این گرایش‌ها را به فعلیت و شکوفایی برسانند.

در بحث از محتوای برنامه درسی، هفت محتوا مشخص شد. ۱- آیه‌بینی پدیده‌ها در تنظیم محتوا است که بر این اساس تمامی موجودات و رویدادها آیتی از حضور خدا هستند و برنامه‌های درسی باید با توجه به اصول و ضوابط الهی از معنویت و آیه‌بینی برخوردار باشند. ۲- در محتوا باید به نیازهای فطری متربی، از جمله نیازهای فیزیولوژیکی، روانی و تحقق خویش توجه نمود تا از این طریق متربیان به کمالات دست یابند. ۳- در محتوا باید به ظرفیت و توانایی‌های فطری متربی نیز توجه داشت. چون مراحل رشدی متربیان متفاوت بوده و در هر سن و دوره‌ای دارای ظرفیت‌های منحصر به فردی است که محتوا باید متناسب با آن باشد. ۴- برنامه درسی باید دارای انسجام و یکپارچگی هم باشد؛ به شکلی که دارای وحدت، جامعیت و کل‌نگری باشد. ۵- اصالت داشتن محتوا به این معنا نیست که صرفاً جدید و نو باشد؛ بلکه منظور داشتن اعتبار می‌باشد و هر میزان دارای معیارهای عقلی و رهنمون‌های نقلی باشد، از اصالت بیشتری برخوردار خواهد شد. ۶- متوازن بودن محتوا نیز به معنای این است که تعادل و هماهنگی بین غرایز، احساسات و عواطف، تمایلات و ... موجود باشد؛ چرا که غلبه یک گزینه و تمایل بر دیگری توازن و تعادل شخصیت متربی را دچار آشفتگی کرده و به انحراف می‌کشاند و بر عکس وجود توازن می‌تواند وی را به کرامت انسانی رسانده و وی به تعادل روحی نیز دست یابد. ۷- در ارتباط با برانگیزانندگی محتوا می‌توان گفت محتوایی که باعث ذوق‌زدگی و کسالت شود و از هیجان برای به حرکت واداشتن متربی غافل باشد، برانگیزاننده نبوده، بلکه موجب رکود و پس‌رفت متربی می‌شود. به همین جهت هم باید محتوایی را انتخاب نمود که متربیان را جذب نماید.

هشت روش نیز برای فرایند یاددهی-یادگیری به دست آمده است؛ از جمله ۱- ایجاد فرصت‌های تربیتی بدیع و جدید به وسیله پرورش دادن قوه فطری خلاقیت و ابداع است. نمونه‌ای از راهکارها؛ به کارگیری تفکر واگرا در کنار تفکر همگراست که خلاقیت متربی را افزایش داده و او را از اندیشیدن به صورت یک‌بعدی خارج می‌گرداند. یادگیری اکتشافی که توانایی استقلال را برای متربیان ایجاد می‌نماید، نیز موجب افزایش خلاقیت می‌شود. ۲- برای تقویت ارزش‌های تعاون و کارگروهی با پرورش گرایش به روحیه اجتماعی متربیان می‌توان به این مهم دست‌یافت تا روحیه کارگروهی مانع از رقیب بودن افراد شود. فرصت گفت‌وگو و افزایش اعتماد به نفس از دیگر اثرات آن است. ۳- استفاده مربی از هنر به وسیله در نظر گرفتن جنبه‌های زیبایی‌شناختی، از جمله بردن متربیان در دل طبیعت و بیان داستان‌ها و قصه‌های جالب و دلنشین و با سرودن اشعار آهنگین می‌تواند آن‌ها را با او همراه کند. ۴- همچنین مربی می‌تواند با مواجه کردن متربی در برابر سؤالات، مسائل و مشکلات و با قرار



دادن وی در تنگناها و با طرح معما و سؤالات جالب روحیه کاوشگری را در وی تقویت نماید. ۵- با به کارگیری نشانه های الهی و جنبه های ماورایی (معنویت) مثل استفاده از لباس های زیبا در هنگام نماز خواندن، با نقل داستان های عبرت آمیز پیشینیان می توان روحیه خداپرستی و عبادت را در متربیان پرورش داد. ۶- به کارگیری ارزش های اخلاقی مثل صداقت و وفاداری با استفاده از گرایش خیر و فضیلت در وجود متربی هم می توان به پاکی روح و اثرات بسیار عمیقی که در زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد توجه داشت ۷- به کارگیری ارزش های عقلانی با استفاده از قوه تعقل و خردورزی امکان پذیر است که از روش های پرورش آن تزکیه و تهذیب نفس، پاک سازی آن از آلودگی های اخلاقی و آموختن حکمت است. ۸- در ارتباط با روش تقویت ارزش های همدلی و همدردی هم می توان گفت که با به کارگیری عشق، محبت و دوستی می توان انس بین افراد را بیشتر کرد و با معرفی اهل بیت و پذیرش آنان، نه تنها به صفات الهی متصف شد؛ بلکه از این طریق به صیقل جوهر وجودی افراد پرداخت و ناپاکی ها را از آن ها دور نمود.

بررسی و تبیین همه ی استعداد های الهی که در این پژوهش در قالب عناصر و مؤلفه ها در برنامه درسی ارائه گردید، می توان امید داشت لحاظ کردن آنها در برنامه درسی هر چه بیشتر در نظام تعلیم و تربیت تأثیرات مورد انتظار را داشته باشد. در این ارتباط و با در نظر گرفتن زمینه تربیتی می توان بیان کرد، فطرت از خصیصه های انفرادی و درونی بشری است و بروز و آشکار سازی آن در میان اجتماع صورت می گیرد؛ چرا که انسان در میان جامعه ای تشکیل یافته از انسان ها ساخته شده و رشد یافته است و در همان جا نیز به پیشرفت رسیده و نه تنها تأثیرگذار است (بناهان، ۱۳۹۶: ۱۳۳) که تأثیر نیز می پذیرد.

## منابع

- آروانه، بهزاد (۱۳۸۸). تبیین فطرت از دیدگاه استاد مطهری (ره) و دلالت های تربیتی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- آروانه، بهزاد؛ داودی، محمد (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی فطرت در آثار استاد شهید مطهری. مجله معرفت کلامی. سال ۲، شماره ۱، ۱۲۶-۱۰۱.
- امین خندقی، مقصود؛ ابراهیمی هرستانی، اصغر (۱۳۹۰). رویکردهای تحول در برنامه های درسی تربیت دینی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران: بررسی تحلیلی-نظری، مجموعه مقالات همایش ملی بنیادین در نظام برنامه درسی ایران، ۴۲۸-۴۳۵.
- باقری، خسرو؛ سجادیه. نرگس؛ توسلی. طیبه (۱۳۸۹). رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. ج ۱، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بخشی درمیان، طیبه (۱۳۹۰). مفهوم و نقش فطرت در اخلاق اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اخلاق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور.
- بناهان، مریم (۱۳۹۶). اصول و روش های احیاء فطرت از منظر قرآن کریم. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی. دوره ۱۴، شماره ۴۱، ۱۳۴-۱۱۳.
- بی نام (۱۳۸۳). طبقه بندی نیازهای انسانی در نگاه روان شناسی و اسلام. پایگاه اطلاع رسانی حوزه. مجله حدیث بندگی. شماره ۱۷.
- بی نام (۱۳۹۷). رویکرد فطرت گرای توحیدی در برنامه آموزش قرآن و معارف اسلامی. مجله علوم و قرآن و حدیث، رشد آموزش و معارف اسلامی. شماره ۱۰۶، ۳۰-۳۳.
- پریمی، علی (۱۳۸۴). معرفت فطری در قرآن. قباست، دوره ۱۰، ۱۰۵-۱۳۲.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). فطرت در قرآن. تفسیر موضوعی قرآن کریم، تنظیم و ویرایش محمدرضا مصطفی پور، ج ۱۲، چ ۱، مرکز نشر اسراء.
- رستمی زاده، رضا (۱۳۸۹). دانش پژوهی و حقیقت جویی در اسلام اساس نهضت تولید علم. مجله مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم افزاری در حوزه معارف اسلامی. شماره ۱. ۱۱۸-۱۰۵.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۴). ماهیت هنر و نسبت و مناسبات آن با فطرت و دین. مجله قیاسات، سال ۲۰.
- سبحانی نژاد، مهدی؛ حسینی، اشرف السادات (۱۳۹۳). تأثیر محتوای برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی منطقه دو شهر تهران. فصل نامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۴.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۳) روانشناسی پرورشی روانشناسی یادگیری و آموزشی. ویراست نو-۵، موسسه انتشارات آگاه. چ ۱۱.
- عبدالعلی زاده، آزاده (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی عناصر چهارگانه و رویکرد کلان حاکم بر سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظر متخصصان، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- عبداللهی، راضیه (۱۳۹۲). بررسی نظرات تفسیری ملاصدرا و علامه طباطبایی در باب فطرت. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- فخر زارع، سید حسین (۱۳۹۳). جامعه از منظر قرآن. پژوهشنامه معارف قرآنی. سال ۵، شماره ۱۶، ۹۳-۱۲۲.
- قاسم پوردهاقانی، ع؛ نصر اصفهانی، آ (۱۳۹۰)، رویکرد معنوی و برنامه ریزی درسی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۱۳، ۷۱-۹۲.
- کریمی. عبدالعظیم (۱۳۹۳). تربیت شدن به مثابه فطری بودن، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، دوره ۹، شماره ۱۹، ۱۳۷-۱۱۷.
- محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۵). آثار تربیتی تمثیلات قرآن. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره پیاپی ۲۱، ۱۱۷-۱۳۸.
- مرزوقی، رحمت اله؛ حداد نیا، سیروس (۱۳۹۶). فطرت بنیاد تربیت رویکردی به تعلیم و تربیت اسلامی. چ ۲، تهران: انتشارات آوای نور.
- مروجی، مهدی (۱۳۹۱). تبیین رویکرد برنامه درسی ملی فطرت گرایی توحیدی ملهم از اسناد برنامه درسی. دوره ۱۰، شماره ۲، ۲۲ و ۲۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳). خودشناسی برای خودسازی. چاپخانه حکمت. قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). فطرت از نظر قرآن و فلسفه. مجله رشد-آموزش معارف اسلامی، شماره ۲۰ و ۲۱، ۲۳-۲۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار. ج ۲، چ ۴، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). فطرت. چ ۱۳، تهران: انتشارات صدرا.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹). از نظام دیسیپلینی تا رویکرد ین رشته‌ای در برنامه درسی آموزش عالی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. سال ۱، شماره ۱، ۶۵-۹۵.
- ملکی، حسن (۱۳۹۶). هویت دینی برنامه درسی جستاری در نظریه اسلامی برنامه درسی، چ ۱. انتشارات آبیژ.
- منظری توکل، علیرضا (۱۳۸۳). تدوین فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای فطرت. رساله دکتری رشته تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز.
- موحدی محصل توسی، مرضیه؛ مهرمحمدی. محمود؛ صادق زاده. علیرضا؛ نقی زاده. حسن (۱۳۹۲). نقد طبقه‌بندی موجود از رویکردهای تربیت دینی و ارائه یک طبقه‌بندی مفهومی جدید، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۱، شماره ۳، ۱۵۸-۱۳۷.

- موسوی فراز، سید محمدرضا (۱۳۸۱). فطرت خداجویی و نقش آن در تربیت انسان. *مجله رواق اندیشه*. شماره ۱۲، ۴۵-۵۴.
- میرزا خانی، مهدی (۱۳۹۱). *ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و روایات اسلامی و دلالت های برنامه درسی بر مبنای آن*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- وقاری زمهریر، زهرا (۱۳۹۵). *تبیین عناصر برنامه ریزی درسی تربیت دینی مبتنی بر رویکرد وظیفه گرا*، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- همتی فر، مجتبی؛ غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۳). *تعلیم و تربیت مبتنی بر رویکرد فطرت (تربیت فطرت گرا) با تأکید بر دیدگاه آیت الله شاه آبادی: مدل سازی فطرت با هرم سه وجهی*. *مجله مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*. سال ۴۶، شماره ۹۳، ۱۵۴-۱۲۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی